

یک اتفاق

۵۰میلیون کودک درگیر فقر و جنگ

• یونیسف در گزارشی از اثرات جنگ، فقر و حتی تغییرات آب‌وهوایی بر ۵۰ میلیون کودک پناهنده در سراسر جهان خبر داده است. این کودکان در معرض خطر قاجاق، سوءاستفاده و محرومیت قرار دارند. طبق آخرین گزارش یونیسف که در آستانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۳ سپتامبر منتشر شد ؛ جهان در حال گذراندن بدترین بحران برای پناهندگان است. پس از پایان جنگ جهانی دوم، ۲۸ میلیون کودک، بیش از نیمی از کسانی بودند که در سراسر جهان آواره و درگیر خشونت و ناامنی بودند. این ارقام تکان‌دهنده، نشان می‌دهد تعداد پناهندگان، در دهه گذشته دو برابر شده است. تعداد مهاجران کودک پس از درگیری‌های طولانی در افغانستان و سوریه تشدید شده است. کمیساریای عالی پناهندگان، آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد، در بیانیه ای اعلام کرده است: نیمی از آوارگان در سراسر جهان از کشورهای خاورمیانه می‌آیند. بزرگ‌ترین جمعیت پناهنده در جهان کسانی هستند که مجبور به ترک سوریه شده‌اند. این برخی دیگر از لبنان، ترکیه و اردن آواره شده‌اند. این گزارش تعداد فراینده و نامتناسب پناهندگان، به‌ویژه



کودکان، را که از کشور خود آواره و مجبور به عبور از مرزهای بین‌المللی شده‌اند، بررسی و تحلیل می‌کند. طبق اعلامیه یونیسف کودکان هیچ مسئولیتی در قبال بمب‌ها و گلوله‌ها، باندهای خشونت، آزار و اذیت و دست‌مزد‌های پایین خانواده ندارند. آنها، باین‌حال، همیشه از سوی جنگ، درگیری و حتی تغییرات آب‌وهوا و فقر، تحت فشار قرار دارند. مؤسسه خیریه کودکان زیر نظر سازمان ملل گفته است: «کودکان آواره در میان مهاجران، آسیب‌پذیرترین هستند؛ مشکل این است که این روند، رو به بدترشدن است. کودکان مهاجر و آواره در معرض خطر از بدترین اشکال سوء استفاده و آسیب هستند. این کودکان اغلب به دلیل قاچاق انسان، به‌راحتی می‌توانند قربانی قاچاقچیان و جنایتکاران شوند. بسیاری از آنها در طول سفر بر از اتفاق خود، به اشکال افراطی تحت آزار و اذیت و خطر و محرومیت قرار می‌گیرند.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه « ۱۸ شهریور ۱۳۹۵ » ۶ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ • ۸ سپتامبر ۲۰۱۶ • سال چهاردهم « شماره ۲۶۷۷ • صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۱۹:۴۰ • اذان صبح فردا ۵:۱۷ • طلوع آفتاب ۶:۴۲

روزنارخرا

fardashargh@gmail.com

کار تون خواب

محمدرضا ثقفی



بهرام دبیری

چند روز پیش با بهرام شیردل، معمار کهنه‌کاری که در حال مطالعه روی معماری معاصر ایران و تهران است، گفت‌وگو می‌کردم. در خلال حرف‌هایمان گفت در ۳۰۰ سال گذشته، تاریخ معماری مدرن ایران که بیشتر در دل تاریخ تهران ظهور و بروز پیدا کرده، پر است از نام‌های معماران روسی و فرانسوی با معماران اروپایی با تحصیل‌کردگان اروپا. موقعیتی این‌چنین در حوزه لباس هم دامن‌گیر ماست. ما در این کشور آشوب‌زده در ادوار مختلف، اصلا لباسی نداشته‌ایم و اگر چیزی به عنوان فرهنگ پوشش برایمان باقی مانده، در روستاهای دورافتاده‌ای است در شمال و جنوب کشور مثل لباس روستاییان گیلان، بندرعباس، میناب و... به مرکز ایران که نگاه می‌کنید، اصلا لباسی بر تن این مرد نیست و طبعاً هم نباید فرهنگی به نام پوشش ملی وجود داشته باشد. بنابراین در برابر توصیه‌ها و تبلیغاتی که با عنوان «ایرانی، ایرانی پوش» یا «ایرانی، ایرانی بخر» مطرح می‌شود، آن هم زمانی که این فرهنگ ملی از طرف دولت‌ها با بی‌اعتنایی مواجه شده، انتظارداشتن از ایرانی‌ها، امر مهملی است. این امور را با بخش نامه‌های دولتی و چنین فراخوان‌های عمومی نمی‌توان جامه عمل پوشاند. به عنوان

نمونه اگر قرار باشد زیر شعار «ایرانی، ایرانی پوش»، دختری با لباس قشقایی در خیابان‌های تهران راه برود، قطعاً گرفتار خواهد شد. تردد مردی با لباس بلوچی در تهران، مشکوک خواهد بود و... چنین است که به نظر، پرداختن به این موضوعات، به نوعی از دست رفته است؛ آن هم درست زمانی که مدام درباره تهاجم فرهنگی گفته می‌شود و دستگاه‌های ارتباط‌جمعی محدود می‌شوند اما در این سفره که روبه‌روی ایرانی‌ها پهن است، جایی برای هویت ملی نیست. آیا می‌توان بدون داشتن هویت ملی، در فرهنگ جهانی نقشی ایفا کرد یا لااقل حضوری هویتمند داشت؟ وقتی هنرمند ما دچار محدودیت است، وقتی نقاش و نویسنده و شاعر و طراح لباس و چه و چه با محدودیت مواجه است و از آن طرف، آسمان برای انواع و اقسام تبلیغات فراورده‌های خارجی باز مانده، شعارهای تلویزیونی «ایرانی بپوشیم»، صرفاً یک شعار خواهد ماند و راه به جایی نخواهد برد.

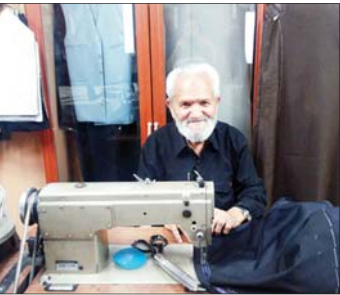
این شرایطی است که کشور من به عنوان دروازه شرق و غرب، سال‌ها دچارش بوده وگرنه در هند، لباس ساری، لباسی است که از رفتارگر رئیس‌جمهور، آن را بر تن می‌کنند و به آن به چشم یک باور ملی و کلان می‌نگرند. وقتی وزارت فرهنگ از حمایت هنرمندان معذور است، وقتی تمام موعوم خود را در قالب شعاری دستوری مطرح می‌کند،

آن‌سوی تاریخ

فاضل میبیدی از خیاط لباس روحانیت قم می‌گوید:

به خاطر اخلاق و مهارت، مشتریان همیشگی داشت

هم معمولاً از برخی از این روحانیون عکس‌هایی بر دیوار به یادکاری نگه می‌داشت. به محل کارش که می‌رفتید، کم پیش می‌آمد که علما، بزرگان و روحانیون را نبینید. ارتباط وسیعی با مشاهیر قم داشت.



❧ معمولاً وقتی به خیاطی ایشان می‌رفتید، حال چه کسی را جویا می‌شدند؟

در فهرست بلندبالای علما و روحانیونی که آقای عرب‌پور برایشان لباس دوخته بود، رئیس دولت اصلاحات هم قرار دارد. واقعیت این است که اصلاً من هم به سفارش ایشان با این خیاطی آشنا شدم. آقای عرب‌پور خیلی به رئیس دولت اصلاحات علاقه‌مند بود و هربار که می‌رفتم آنجا، احوال ایشان را جویا می‌شد.

❧ این اواخر هم خبری از ایشان داشتید؟

این اواخر لباده‌ای برای آقای کربونی دوخته بود و می‌گفت که خیلی برای دوختنش تلاش کرده، چون ویژه انتخابات بوده است. هدفم از ذکر این خاطره این است که بگویم چنین اخلاقی داشت؛ صاف و صادق بود و همین ویژگی اخلاقی باعث می‌شد مشتری‌هایش همیشگی باشند. ایشان به قول امروزی‌ها، نه اصولگرا بود و نه اصلاح‌طلب، بلکه یک خیاط ماهر و خوش‌سلیقه بود که با همه از در دوستی وارد می‌شد. این اواخر، معمولاً احوال رفقای‌ای را که بعد از انقلاب کمتر دیده بود از ما می‌پرسید.

❧ فکر می‌کنید سرانجام این‌ خیاطی بعد از درگذشت آقای عرب‌پور چه شود؟

در جریان این جزئیات نیستم، اما خاترم هست که ایشان پسری داشتند که او هم خیاط بسیار خوبی بود و بعدید مشتری‌کار پدر را ادامه دهد، اما خب، آقای عرب‌پور، شهرتی واقعی و دقتی مثال‌زدنی در کارش داشت که شاید دیگر تکرار نشود.

فرداگذرانی

فعالیت می‌کنند و درحال‌حاضر در پنج مرکز که کودکان کار و آسیب‌دیده خدمات آموزشی، مددکاری، مشاوره و بهداشت و درمان ارائه می‌دهد. فروشگاه دی‌مارت در تقاطع خیابان سیزدهم ولنجک و ساسان قرار دارد و مدیران آن تمام منافع حاصل از فروش این دفترچه‌ها را به کودکان کار اهدا می‌کنند.

• مؤسسه مطالعات سیاسی-اقتصادی «پرسش» در ادامه سمینارهای آزاد خود که با عنوان «پنجشنبه‌های پرسش» برگزار می‌شود، این هفته میزبان سمینار «بحران‌های اقتصادی و تدابیر سیاسی در ایران امروز» خواهد بود. محمد مالجو و پرویز صداقت در این جلسه که از ساعت ۱۷:۳۰ روز پنجشنبه، ۱۸ شهریورماه، آغاز می‌شود، به ترتیب با موضوعات «تدبیر اعتدالی در برابر بحران‌های اقتصاد سیاسی ایران» و «بحران انباشت و انباشت بحران» سخنرانی می‌کنند. مؤسسه «پرسش» در خیابان قائم‌مقام فرحانی- پلین‌تر از خیابان اسداسد مطهری- کوچه شبنم- پلاک ۳ واقع شده است. ورود به این جلسه برای همه علاقه‌مندان آزاد و رایگان است.

ماجرای عشق و عاشقی میدون

کنده‌کردن قضایا



پوریا عالمی

• نیروهای دولتی یک کشوری در خاورمیانه (واقعاً چه فرقی بین کشورهای خاورمیانه است؟) متهم شده‌اند حومه شهر (خودشان، نه حومه شهر دشمنشان) را با بشکه‌های گاز کلر بمباران کرده و ۸۰ نفر را زخمی کرده‌اند. خب. زرتی هم بنگاه‌های خبری و سایت‌ها خبر را کرده‌اند توی بوق و کرنا که وای... بایید ببینید چطوری مردم از بین رفتند.

والا از این خبرها نیست. ما واقعا از این رفتارهای رسانه‌های خارجی تعجب می‌کنیم. اولاً که گاز کلر بوده. کلر هم که سال‌هاست همه می‌ریزند توی استخر که آب استخر تمیز شود. خب این ایده که اگر ما کلر را به آب می‌زنیم و آب تمیز می‌شود، اگر آن را به هوا بزنیم، هوا هم تمیز می‌شود، ایده غلطی است؟ آیا شما با زن کلر به هوا و رفع آلودگی هوا مشکل دارید؟ بعد هم رسانه‌های خارجی یک‌طوری خبر تنظیم می‌کنند که مرغ پخته، به خنده می‌افتد. «با بشکه‌های گاز، شهر را بمباران کردند؟» یعنی چی؟ یعنی بشکه‌های گاز را گذاشتند توی هواپما و رفتند بالاسر شهر و از بالا بشکه‌های گاز را انداخته‌اند روی سر آدم‌ها؟ آخر این هم حرف است؟ اصلاً هواپمایی داریم که این‌همه بشکه گاز توش جا بشود؟ شما چطوری بدون کارشناسی حرف می‌زنید؟ حالا اگر می‌گفتید با کپسول گاز حمله کرده‌اند، آدم باورش می‌شد، ما همه کپسول گاز دیده‌ایم و ۲۰ سال پیش هم دنبال کامیون کپسول گاز دیده‌ایم. الان هم مثلاً یک تخمین می‌توانیم بزنیم که صدا تا کپسول گاز چقدر است. اما بشکه؟ بشکه گاز؟ آن‌همه؟ خالی‌بند‌ها، من مطمئن هستم کسانی که در رسانه‌های بیگانه کار می‌کنند حتی کپسول گاز ندیده‌اند وگرنه می‌دانستند نمی‌شود با بشکه گاز حمله کرد. کپسولش ۳۰ کیلو است. بشکه‌اش چقدر می‌شود؟ شما فکر کن اصلاً یک هواپما به آن بزرگی پر از بشکه گاز، می‌دانی چقدرتا پهلوان لازم دارد که بشکه‌ها را از بالا روی سر مردم پرت کند؟ اگر این‌طوری بود که مسابقات قوی‌ترین مردان را در آسمان برگزار می‌کردند.

بعد هم اینها فکر کرده‌اند ما ساده‌ایم. با بشکه گاز کلر به شهر حمله کرده‌اند و ۸۰ نفر زخمی شدند؟ همین‌طوری ما توی خانه پیغ‌پاف می‌زنیم سه‌تا از همسایه‌ها سرفه می‌کنند. بعد شما با گاز کلر حمله کردی، ۸۰ نفر زخمی شدند؟ آدم را گاز بگیرد، زخمی می‌شود؟ یا غش می‌کند؟ لابد منظورشان این بوده که ۸۰ نفر را گاز گرفته و تعادلشان را از دست داده‌اند و خورده‌اند به در و دیوار و زخمی شده‌اند. خب اگر این‌طوری باشد، مسئول این زخمی‌شدن، دولت‌ها هستند؟ یا کسانی که با یک گاز ساده از هوش می‌روند؟ تا به کی ما حساب یکی را به پای آن یکی بنویسیم؟ می‌بینی سوفا؟ این رسانه‌های خارجی، عین بابای تو هستند. مثلاً همین می‌گوید پسر، میدون دوم، تو به مردم بدهکاری، انکار چند هزار میلیارد بدهی دارم. درحالی‌که کل بدهی من به مردم ۹۰۰ میلیون تومن است یا می‌گویند پسر، تو زن‌کنده داری نیستی. یک‌طوری که انکار من همه زن‌ها را ول کرده‌ام. درحالی‌که شش‌تا ازدواج اولم را واقعا من ول نکردم، آنها ول کردند و رفتند. می‌بینی؟ بابای سوفا هم کنده می‌کند موضوع را، طوری‌که سوفا بترسد و با من ازدواج نکند، ولی کور خواندند.